

1. وجوب رد غیبت

ردّ غیبت، یعنی نفی آن نسبتی که غیبت کننده به غیبت شونده می دهد؛ مثلاً وقتی گفته می شود: "فلانی مال ناحق خورده"، بگوییم: "از کجا معلوم، شاید معامله کرده یا شاید حلال بوده است." اگر هم به گونه ای است که نمی شود آن را توجیه کرد، مثلاً بگویید: "بشر جایز الخطاست یا ممکن است تاکنون توبه و استغفار کرده باشد."

نکته اساسی این کار در این است که چون زندگی، بر پایه روابط اجتماعی است، بدبینی و بدگمانی های افراد باعث تیره و تار شدن فضای جامعه می شود. از این رو باید رد غیبت کرد و اصل را بر صحت عمل افراد گذاشت. (مکاسب محرمة، ج ۳۶۴، ص ۳)

عدم وجوب رد غیبت

کسی که استماع غیبت نکرده است، ولی اطلاع پیدا می کند که دیگری غیبت کرده، رد بر او واجب نیست. یا کسی که سامع قهری است، مثلاً همین طور که عبور می کند، غیبتی را می شنود، ردّ برای او واجب نیست. اما کسی که گوش می کند، برای او واجب است که رد کند. (مکاسب محرمة، ج ۳۶۳، ص ۸)